«سرآمد» بررسی می کند؛

«فرارِ مالیاتی» از کیفرِ مؤدیان تا درمانِ نظام مالیاتی

گروه اقتصاد- امید ایرانی - در میانه انبوه آمارهای متناقض و گزارش های مالـــی فصلی که هر یک به سهم خود تصویری از ســـلامت یا بیماری اقتصاد رســـمی ترســـیم می کنند، واژگان «فرار مالیاتـــی» و «اقتصاد زیرزمینی» دیگر نه به مثابه دو پدیده حاشیه ای، بلکه همچون شاخص هایی کلان برای سنجش کارآمدی حاکمیت، کیفیت توزیع درآمد و میزان سرمایه اجتماعی موجود در یک کشور، جایگاهی محوری یافته اند. در این میان، آنچه اغلب در کانون مناظرات کارشناسی و جدل های رسانه ای گم می شود، پرسشی بنیادین است: آیا اساساً رویارویی با این پدیده مزمن، از مسیر تشدید مجازات ها، گسترش بازرســـی های میدانی و انباشت هرچه بیشتر داده های خام ممکن خواهد شـــد، یا آنکه زمان آن رسیده تا از «مبارزه پلیســـی» با فرار مالیاتی فاصله بگیریم و به استقبال «پیشگیری سیستمی» برویم؛ پیشگیری ای که نه در قامت یک شعار تبلیغاتی، بلکه در قالب بازطراحی کلان رابطه دولت، مؤدی و داده، تجلی می یابد؟ پاســـخ به این پرسش، نه تنها سرنوشـــت دهه آینده بودجه های عمومی را رقم می زند، بلکه اعتبار بنیادین قرارداد اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد؛ قراردادی که بـــر پایه آن، شـــهروندان در ازای پرداخت مالیات، اســـتحقاق برخورداری از کالاها و خدمات عمومی را پیدا می کنند.

برای درک ضرورت این تغییر پارادایم، باید نخست به واکاوی ریشه های ناکارآمدی رویکردهای مرسوم پرداخت. نظام های مالیاتی بسیاری از کشورها، به ویژه در فضای اقتصادی در حال توسعه، همچنان اســـیر یک حلقه معیوب هستند: تمرکز فشار مالیاتی بر دوش بخش های شفاف و قابل رؤیت اقتصاد - مانند حقوق بگیران دولتی و خصوصی، شـــرکت های بورســـی و واحدهای تولیدی دارای پروانه بهره بـــرداری - در حالی که بخش های پنهان، معاملات نقدی گســـترده، کسب و کارهای اینترنتی غیررسمی و فعالیت های واسطه گری مالی، نه تنها از چشم ممیزان دور می مانند، بلکه گاه با بهره گیری هوشمندانه از شکاف های قانونی، از تخفیف ها و معافیت های ناهمگون نیز بهره می برند. این نابرابری آشکار، که در ادبیات اقتصادی از آن با عنوان «تبعیض مالیاتی ساختاری» یاد می شود، نه تنها بهره وری کل نظام اقتصادی را کاهش می دهد، بلکه حس بی عدالتی عمیقی را در میان مؤدیان خوش حســـاب برمی انگیزد؛ حسی که خود به یکی از مهم ترین محرک های روانی روی آوری به رفتارهای فرارگونه تبدیل می شود. زمانی که یک تولیدکننده متوسط می بیند رقیب غیررسمی او، با همان حجم فعالیت، هیچ سهمی در تأمین هزینه های عمومی ندارد، انگیزه او برای شفاف سازی تراکنش هایش به شدت تحلیل می رود و این گونه است که اقتصاد زیرزمینی، نه به مثابه یک اســـتثنا، بلکه به مثابه یک قاعده نانوشته، در بافت جامعه نهادینه می شود.

از این دیدگاه، صرف تکیه بر ارتقاء کمی بازرسی ها و تشدید جرایم سنگین مالیاتی، نه تنها راهگشا نیست، بلکه ممکن است به تشدید فضای تقابل و گریز سرمایه ها از مدار رسمی بینجامد. تجربه بسیاری از کشورها نشـــان داده که سیاست های صرفاً تنبیهی، اگر با سازوکارهای پیشگیرانه و ایجادی همراه نباشند، در بلندمدت بـــه افزایش هزینه های اجـــرای قانون و پرورش روش های پیچیده تر پنهان ســـازی درآمد منجر می شـــوند. به عبارت دقیق تر، آنچه در این میـــان مغفول مانده، درک این حقیقت است که «فرار مالیاتی» یک جرم ساده اقتصادی نیست، بلکه یک رفتار تطبیقی پیچیده اســـت که در پاســـخ به ساختار انگیزه ها، کیفیت نهادها، سطح اعتماد نهادی و میزان شفافیت رویه ها شـــکل می گیرد. از این رو، گذار از یک نظام «واکنش گرا» به یک نظام «پیش بینی گرا»، مستلزم دگرگونی بنیادین در فلسفه حاکم بر سیاســـتگذاری مالیاتی است؛ دگرگونی ای که محور آن را نه «مجازات تخلف»، بلکه «طراحی ســـازوکاری که تخلف را ناممکن یا بی منفعت می سازد» تشکیل می دهد. این دقیقاً همان نقطه ای است که مفاهیمی نظیر «داده محوری»، «هوش مصنوعی» و «یکپارچه ســـازی اطلاعات» از حاشـــیه مباحث فنی خارج شده و به هســـته راهبردی خط مشی های کلان راه می یابند.

با نگاهی به تکالیف قانونی مندرج در موادی نظیر ۱۶۹ و ۲۳۱ قانون مالیات های مســـتقیم، به روشـــنی درمی یابیم که قانون گذار، دست کم در ســـطح متن، به اهمیت داده و اطلاعات پی برده و نهادهای اجرایی را به گردآوری انبوهی از صورت های مالی، تراکنش های بانکی، معاملات ملکی و خودرویی و ده ها داده دیگر مکلف ساخته است. با این حال، آنچه به عنوان یک نقصان تاریخی و ساختاری پابرجا مانده، عدم توانایی تحلیل پویا و ترکیبی این داده هاســـت. حجم عظیمی از اطلاعات، در قالب پایگاه های مجزا، فاقد ارتباط معنادار با یکدیگر انباشته می شوند و به جای آنکه به عنوان ابزاری برای شناسایی الگوهای پنهان فرار مالیاتی و پیش بینی رفتار مؤدیان مورد استفاده قرار گیرند، صرفاً به انباره هایی از داده های ایســـتا تبدیل می شوند که گاه حتی برای نیازهای ممیزی سنتی نیز به سختی قابل بهره برداری بهنگام هســـتند. این انفعال تحلیلی، نه تنها هزینه های زمانی و مالی رســـیدگی به پرونده ها را به شکل سرسام آوری افزایش داده، بلکه زمینه ســـاز شـــکل گیری پدیده خطرناک «فرار هوشمندانه» شده است؛ بدین معنا که فعالان اقتصادی پر مخاطره، با آگاهی از گسست میان داده های مختلف، می توانند با ایجاد تناقض های حساب شده در صورت های مالی خود، دستگاه ممیزی را در سردرگمی تشخیصی فروبرند و سال ها بدون پرداخت سهم واقعی خود، به فعالیت ادامه دهند.

اما راه گریز از این وضعیت، واپس روی به روش های ســـنتی بازرســـی میدانی که خود مبتنی بر ماده ۱۸۱ قانون مالیات های مستقیم و وابســـته به نیروی انســـانی محدود و زمان بر است، نخواهد بود. برعکس، چاره در تغییر زاویه نگاه از «منبع درآمد» به «خانوار و الگوی مصرف» نهفته است. به بیانی فنی تر، گذار از نظام «منبع محور» - که در آن بر شناسایی منبع مشخصی نظیر حقوق، اجاره یا ســـود تجاری تأکید می شود - به نظام «مؤدی محور و داده محور» که مبتنی بر گردآوری مجموع درآمدهای یک خانوار از تمامی منابع ممکن و مقایسه آن با الگوی مخارج ثبت شده اوست، می تواند تحولی بنیادین در کشف فرار مالیاتی ایجاد کند. این رویکرد، که در ادبیات مالیاتی مدرن از آن با عنوان «روش توازن درآمد-مخارج» یاد می شود، به نظام مالیاتی امکان می دهد تا با بررسی همزمان داده های بانکی، معاملات کارت خوان، سامانه های خرید و فروش املاک و خودرو، و حتی داده های مربوط به مصرف انرژی و ارتباطات، به تصویر نسبتاً دقیقی از توان اقتصادی واقعی هر مؤدی دست یابد و تشخیص مغایرت های معنادار میان درآمد اظهار شده و سطح زندگی مشاهده شده، دیگر به یک عملیات کارآگاهی پرهزینه و تصادفی تبدیل نمی شود، بلکه به یک فرایند سیســـتماتیک و مبتنی بر قاعده تبدیل می گردد که در آن، «انحراف» به سرعت خود را به عنوان یک سیگنال هشدار دهنده نمایان می سازد.

بی تردید، چنین تحولی در گرو به کارگیری فناوری های نوین تحلیلی، به ویژه الگوریتم های هوش مصنوعی و یادگیری ماشین اســـت. این فناوری ها، برخلاف سیستم های سنتی که صرفاً به دنبال تطابق صوری اعداد و ارقام هستند، می توانند با «آموزش» بر روی مجموعه عظیمی از داده های تاریخی مؤدیان، الگوهای پنهان رفتاری مرتبط با فرار مالیاتی را تشخیص دهند؛ از شناسایی شرکت های صوری و شبکه های صوری سازی فروش گرفته تا کشف تراکنش های ساختگی که صرفاً برای افزایش هزینه های قابل قبول و کاهش سود مشمول مالیات طراحی شده اند. قدرت پیش بینی کنندگی این مدل ها، به نظام مالیاتی امکان می دهد تا به جای بررسی تمامی پرونده ها به یکسان، ریسک فرار را برای هر مؤدی محاسبه کند و منابع محدود ممیزی را بر روی پرونده های پر مخاطره متمرکز سازد؛ راهبردی که نه تنها کارایی وصولی را افزایش می دهد، بلکه با کاهش مداخلات ممیزی گسترده و سرزده، از اصطکاک بیجا با مؤدیان خوش حساب نیز می کاهد و فضای کســـب و کار را تا حد قابل توجهی تلطیف می نماید.

در این چارچوب، نقش سامانه های جامع مؤدیان، دیگر صرفاً یک مخزن اطلاعاتی منفعل نیســـت، بلکه به موتور محرکه یک اکوسیستم مالیاتی هوشمند تبدیل می شود که در آن، داده ها نه برای ثبت، که برای تحلیل و سپس اقدام بهنگام، گردش می کنند. با این حال، نباید از نظر دور داشت که هر گونه نظام داده محوری، بدون پشتیبانی نهادی کارآمد و تضمین شفافیت رویه ها، نه تنها نمی تواند به اهداف خود دست یابد، بلکه ممکن است به ابزاری برای تبعیض های جدید و تشدید بی اعتمادی نیز بدل شود. به همین دلیل، گام دوم و به همان اندازه حیاتی گذار به پیشگیری، اســـتقرار یک نظام یکپارچه مالیاتی-حمایتی است. این نظام، بر خلاف رویه جاری که در آن وصول مالیات و ارائه خدمات رفاهی و حمایتی توسط نهادهای متفاوت و بعضاً با پایگاه های داده غیرهماهنگ انجام می شود، پیشنهاد می دهد که مجموعه شناسایی مؤدیان، محاسبه بدهی، وصول وجوه و حتی اعطای مالیات منفی (یعنی بازپرداخت مازاد مالیات به اقشار کم درآمد) به یک نهاد واحد و کارآمد ســـپرده شود. چنین یکپارچه سازی نهادی، دو دستاورد اساسی به همراه دارد: از یک سو، با حذف شکاف های اطلاعاتی میان نهادهای مختلف، امکان سوءاستفاده از ناهماهنگی آنها را از میان برمی دارد و از سوی دیگر، با ایجاد یک حلقه ارتباطی مســـتقیم میان مالیـــات پرداختی و خدمات دریافتی شهروندان - به ویژه در حوزه های بهداشت، آموزش و تأمین اجتماعی - درک عمومی از مفهوم مالیات را از یک «باج تحمیلی» به یک «سرمایه گذاری جمعی» تغییر می دهد. این تغییر ادراکی، که خود یک اقدام پیشگیرانه فرهنگی قدرتمند محسوب می شود، می تواند به تدریج رفتار خودسرانه گریز از مالیات را که ریشه ای عمیق در بی اعتمادی نهادی دارد، تضعیف کند و تمایل داوطلبانه مؤدیان برای شـــفاف سازی اطلاعات خود را به طور چشمگیری افزایش دهد.

در این میان، نقش ســـازوکارهای نظارتی مشارکتی و مردمی، به ویژه سامانه های امن ســـوت زنی، نیز قابل اغماض نیست. تجربه جهانی نشـــان داده که ایجاد کانال های ایمن و محرمانه برای گزارش تخلفات مالیاتی توســـط شـــهروندان و کارکنان آگاه، با ارائه پاداش های متناســـب و تضمین حمایت قانونی از گزارش دهندگان، می تواند به عنوان یک لایه مکمل اطلاعاتی بسیار ارزشمند، نقاط کور سیستم های خودکار را پوشش دهد. البته این رویکرد، به شرطی اثربخش خواهد بود که با اقدامات جدی برای تضمین سلامت اداری و مبارزه بی وقفه با فساد درون سازمانی همراه شود، چراکه هیچ یک از فناوری های پیشرفته، در صورتی که کارگزاران نظام مالیاتـــی خود در معرض رانت خواری و بی توجهی باشند، نمی توانند اعتماد عمومی را جلب کنند. از این منظر، پیشگیری مؤثر از فرار مالیاتی، نه یک پروژه صرفاً فنی، بلکه یک پروژه نهادی چندلایه است که در آن، اصلاح رویه های اداری، شفاف سازی فرایندهای تشخیص و وصول، و پاسخگویی مستمر مدیران در برابر عملکردشان، از الزامات غیرقابل اجتناب آن به شمار می رود.

و اما آنچه که بر پیچیدگـــی این گذار می افزایـــد، تأثیر متقابل سیاســـت مالیاتی با ســـایر متغیرهای کلان اقتصادی، به ویژه نرخ تورم و نوسانات بازارهای موازی است. یکی از مهم ترین عواملی که انگیزه فرار مالیاتی را به شدت افزایش می دهد، انتظار کاهش ارزش پول ملی و حرکت سرمایه ها به سوی دارایی های کالایی نظیر طلا، مسکن و ارز اســـت. در چنین فضایی، بخش واقعی اقتصاد که با حاشیه سود ناچیز و ریسک بالای تولید مواجه است، در رقابت با بخش های سوداگرانه ای که نه تنها از مالیات مؤثر معاف هستند، بلکه از افزایش قیمت ها نیز منتفع می شوند، به شدت ضعیف می شود. این پدیده، که در ادبیات اقتصادی از آن با عنوان «مالیات تورمی پنهان» و «فرار ســـرمایه ها از کانال تولید» یاد می شـــود، حلقه دیگری از زنجیـــره معیوب کاهش درآمدهای مالیاتی رسمی است؛ چرا که با کوچک تر شدن بخش رسمی، پایه مالیاتی کشور نیز فرسایش یافته و دولت ناچار، برای جبران کسری بودجه، مجبور به افزایش فشار بر همان مؤدیان باقی مانده می شود و این چرخه باطل، هر دور خود را با شدتی بیشتر از دور قبل تکرار می کند. از این رو، هر راهبرد پیشگیرانه ای برای مقابله با فرار مالیاتی، ناگزیر باید با یک بســـته سیاستی هماهنگ برای کنتـــرل تورم، ایجاد ثبات در بـــازار دارایی ها و تضمین حقوق مالکیت همراه باشـــد تا بتواند جذابیت فعالیت سوداگرانه را در برابر فعالیت مولد کاهش دهد و جریان سرمایه را به سوی کانال های شفاف و مولد هدایت کند.

در پایان، آنچه کـــه از این واکاوی چندلایه به دســـت می آید، این بینش راهبردی است که مسئله فرار مالیاتی، در ذات خود، یک مشکل صرفاً قانونی یا اجرایی نیست، بلکه یک «نارسایی سیستمی» است که ریشـــه در کیفیت حکمرانی، توزیع قدرت، کارایی نهادها و سطح ســـرمایه اجتماعی دارد. به همین دلیل، رویکرد صرفاً مبارزه جویانه، که تخلف را در کانون توجه قرار می دهد و واکنش دولت را به صورت مجـــازات پس از وقوع تعریف می کند، نه تنها هزینه بر و ناکارآمد است، بلکه به طور ناخواسته، رابطه دولت و شـــهروند را به یک رابطه خصمانه و صفر-صفر تبدیل می سازد. در مقابل، رویکرد پیشگیرانه، با اتکا بر ابزارهای هوشمندانه داده کاوی، به روزرسانی مستمر قوانین، یکپارچه سازی نهادهای مالیاتی-حمایتی و اصلاح انگیزه های اقتصادی و نهادی، به دنبال طراحی معماری جدیدی برای نظام مالیاتی اســـت که در آن، «پرداخت مالیات» نه به دلیل ترس از مجازات، بلکه به دلیـــل منطقی بودن، عادلانه بودن و شـــفاف بودن فرایندها، به یک رفتار غالـــب و داوطلبانه در میان فعالان اقتصادی تبدیل شـــود. چنین تحولی، اگرچه نیازمند ســـرمایه گذاری قابل توجه در زیرساخت های داده ای و نیروی انسانی متخصص و همچنین عزمی راســـخ برای عبـــور از منافع گروه های ذی نفوذ مقاوم در برابر شـــفافیت است، اما در بلندمدت، تنها مسیری اســـت که می تواند از یک سو، بودجه عمومی را از وابستگی مخرب به درآمدهای نفتی یا استقراض پرهزینه نجات دهد و از سوی دیگر، با بازســـازی پل اعتماد شکسته شده میان حاکمیت و شهروندان، ثبات اقتصادی و عدالت اجتماعی را به عنوان دو رکن اصلی توسعه پایدار، برای نسل های آینده تضمین نماید. گذار از مبارزه به پیشـــگیری، به عبارت دقیق تر، گذار از کیفر گذشته به طراحی آینده اســـت؛ آینده ای که در آن، داده ها و شفافیت، جای تفتیش و تهدید را خواهند گرفت و مالیات، از یک بار سنگین بر دوش تولید، به یک اهرم توسعه فراگیر برای همگان بدل می شود.

آگهی مفقودی

برگ سبز(سند)سواری کرایه رنوتیپ fLUENCEمدل ۲۰۱۵ رنگ زرد _روغنی به شماره موتور M۴RJ۷۱۴N۳۸۳۱۳۱ وشماره شاسی VF۱LzL۲۶۲FC۲۹۳۲۷۹ به شماره پلاک ۶۳۵ع۳۴ایران ۹۸ بنام جلال کوچی فرزندمحمدمفقود گردیده است واز درجه اعتبار ساقط می باشد. لازم‌به ذکر است مالکین جلال کوچی وآقای محمد باقر مرادبیگی می باشند.(ایلام)

آگهی

آگهـــی اصلاحی موســـسه غیر تجاری ســـاعی دریـــا محور به شناســـه ملی ۱۴۰۱۳۷۱۰۸۲۳ و به شماره ثبت ۵۸۰۷۱ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۷ و پیرو آگهی به شماره مکانیزه ۱۴۰۵۳۰۴۰۰۹۰۱۰۴۹۳۶۹ آگهی اصلاح شده بشرح زیر می باشـــد: آقای مجید ورشوســـاز به شماره ملی ۰۰۴۴۵۱۵۱۴۶ به ســـمت رئیس هیئت مدیره تا تاریـــخ ۱۴۰۶/۰۲/۰۱ آقای حسین ناجی پور به شـــماره ملی ۰۶۰۲۲۰۵۹۰۵ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۲/۰۱ آقای مسعود پل مه به شماره ملی ۱۸۲۹۳۰۷۴۶۰ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۲/۰۱ خانم الهام بن فیری به شماره ملی ۱۸۱۹۵۰۳۹۹۲ به ســـمت مدیرعامـــل (خارج از هیئت مدیـــره) تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۲/۰۱ انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور موسسه از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقوداسلامی با امضای ۲ نفر از اعضا هیات مدیره همراه با مهر موسسه معتبر می باشد. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۲۳۷۷۷۳)

شناسه آگهی: ۲۲۳۷۷۷۳

روزنامه سرآمد اقتصاد

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان کوهدشت _سری (۶۰۱) جمعی

آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد ســـند مسقر در واحد ثبتی کوهدشت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

برابر تقاضای آقا/خانم (نصیبه نجادی گل گل)فرزند (جراغ علی) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه عمارت) به مساحت (۱۶۶) مترمربع مجزی شده از پلاک شـــماره (*) فرعی از (۵۶) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (غلام حسن عمله)

برابر تقاضای آقا/خانم (محمدلرستانی)فرزند (صیدمحمد) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۱۹۵۶,۵۶) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۲) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (خانم بانورنگینه لرستانی)

برابر تقاضای آقا/خانم (هوشـــمندبیری پور)فرزند (کرم) نسبت به (۶ دانگ از ششـــدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۸۲۷۷,۴۴) مترمربع مجزی شده از پلاک شـــماره (*) فرعی از (۱۵) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (محمدحسین زارعی)

برابر تقاضای آقا/خانم (تاج بانو بختیاری خسروآبادی)فرزند (کسمراد) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۶۸۵۹۹,۲۹) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۱۷) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/ خانم (امیربگ درویشی)

برابر تقاضای آقا/خانم (ایرج شهبازی) فرزند (فتح اله) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۳۳۵۸,۵۲) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۳۰) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (ایرج شهبازی)

برابر تقاضای آقا/خانم (ایرج شهبازی) فرزند (فتح اله) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۱۱۷۹۹,۲۸) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۳۰) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (ایرج شهبازی)

برابر تقاضای آقا/خانم (مهدی اخویان)فرزند (عباس) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۱۰۰۹,۹۴) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۱) فرعی از (۵۶) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (علی اخویان)

برابر تقاضای آقا/خانم (مهدی اخویان)فرزند (عباس) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۵۱۷۳,۴۵) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۱) فرعی از (۵۶) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (علی رضااحمدپور)

برابر تقاضای آقا/خانم (مهدی اخویان)فرزند (عباس) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۱۰۶۴,۱۲) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۱) فرعی از (۵۶) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (علی رضااحمدپور)

برابر تقاضای آقا/خانم (مهدی اخویان)فرزند (عباس) نسبت به (۶ دانگ از ششدانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۸۶۹۷,۸۲) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۱) فرعی از (۵۶) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (آزاد بابازاده)

شناسه آگهی: ۲۲۳۴۳۷۹

میم الف: ۶۰۱

تاریخ نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۱

برابر تقاضای آقا/رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کوهدشت
هوشنگ اسکندرنیا

مناقصه عمومی کد آگهی ۶-۱۴۰۵

شهرداری کرج سازمان سیما،منظر و فضای سبز شهری

سازمان سیما،منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج در نظر دارد بصورت مناقصه عمومی تهیه و اجرای طرح تامین برق پارک مادر وکودک را به اشخاص حقوقی اقدام نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	مدت	مبلغ اولیه به ریال
۱	تهیه و اجرای طرح تامین برق پارک مادر وکودک	۲ ماه	۴۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

۱- متقاضی موظف است جهت اخذ مدارک شرکت درمناقصه عمومی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس سایت https:///www.setadiran.ir مراجعه نماید.

۲- شرایط متقاضی:

۲-۱- اشخاص حقوقی: اساسنامه مرتبط و دارای حداقل رتبه ۵ نیرو - آگهی تاسیس-آخرین تغییرات روزنامه رسمی- سایر مدارک ثبتی- کد اقتصادی – گواهی ارزش افزوده درصورت شمول (قبل از انعقاد قرارداد ارائه نمایند درغیر اینصورت سپرده شرکت درمناقصه به نفع سازمان ضبط خواهد شد) الزامی میباشد.

۳- سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۲/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به یکی از روشهای ذیل ارائه گردد:

* ضمانتنامه بانکی معتبر و یا ضمانتنامه صادره از موسسات مالی و اعتباری معتبر دارای شماره اختصاصی سپام معادل مبلغ فوق به نام شخص شرکت کننده، که به مدت سه ماه اعتبار داشته و قابل تمدید باشد. (شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۸۷۹۴۲، کد اقتصادی ۴۱۱۳۶۷۷۵۹۹۱۷، کد پستی ۳۱۳۴۸۵۱۹۶۵)

* واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب شماره ۱۰۰۱۰۰۱۰۰۱۲۱ بانک شهر

۴- مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه خرید اسناد مناقصه به حساب شماره ۷۰۰۸۲۴۱۲۶۳۹۸ بانک شهر واریز و فیش پرداختی آن را به امورقراردادها تحویل نمایند.

۵- برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نباشند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

۶- سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

۷- هزینـــه چاپ آگهـــی به عهده برنـــده مناقصه میباشد.

۸- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.

۹- ۱۰٪ از مبلغ کل پیشنهادی وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی بعنوان سپرده حسن انجام تعهدات از برنده اخذ خواهد شد.

۱۰- مبلغ قرارداد ۱۰۰ ٪ نقدی میباشد.

۱۱- تاریخ انتشار درسامانه از مورخ ۱۴۰۵/۵/۶ به مدت یک روز.

۱۲- مهلت زمانی دریافت اسناد درسایت تا پایان وقت اداری ۱۴۰۵/۵/۱۵

۱۳- مهلت زمانی بارگذاری مستندات تا پایان وقت اداری ۱۴۰۵/۵/۳۱

۱۴- زمان بازگشایی درسایت ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۵/۶/۱

امور قراردادها وروابط عمومی سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج